

ریزرف تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان بطور آنلاین همیشه و همه جا

وب سایت skytravels.com در زمینه ارایه خدمات مسافرتی بصورت آنلاین در افغانستان پیشتاز می باشد، که از جدید ترین تکنالوجی روز استفاده کرده و آنرا مطابق خواست مشتریان محترم تهیه نموده است. وب سایت skytravels.com بعنوان یک شرکت کاملاً افغانی، ارایه کننده خدمات فروش تکت های هوایی و هتل در سراسر جهان به مشتریان خویش میباشد. استفاده از skytravels.com آسانترین، کوتاه ترین و ارزانترین طریقه برای رفع نیازمندی های مسافرتی شماست.

حالا شما میتونید با مراجعه به Google Play نرم افزار Skytravels و با مراجعه به App Store نرم افزار Skytravellers را دانلود نمایید.

020 230 4949 - 020 230 4848
SUPPORT@SKYTRAVELS.COM



یادداشت روز صفحه ۲

ما از حکمتیار چه می خواهیم؟

این روزها همه‌می بازگشت گلبدین حکمتیار به عرصه‌ی سیاست، تبدیل به یکی از بحث‌های داغ رسانه‌یی شده است. دولت‌مداران نه‌تنها با افتخار، بلکه با تأکید زیاد از این مسأله سخن می‌گویند. اشرف‌غنی ظاهراً نقش و پشت‌کار اصلی را در نهایه شدن مذاکره با حکمتیار دارد و عبدالله‌الله رییس اجرائیه‌ی حکومت وحدت ملی نیز گفته است که حاضر است به‌خاطر منافع ملی با خصم سر سفره‌ی واحدی نشسته غذا بخورد. عبدالله و حکمتیار از دو خواست‌گاه متضاد و یکدیگرستیزانه برخاسته‌اند. سال‌های زیادی حکمتیار در یک اردوگاه و عبدالله ...



ناتو: پس از ۲۰۱۶ نیز در افغانستان مأموریت «حمایت قاطع» را ادامه می‌دهیم

صفحه ۲

صفحه ۳

آکادمی پزشکی اطفال امریکا (AAP)

صحت از سوءاستفاده و آزار جنسی برای اغلب مردم، به‌ویژه برای والدین دشوار است؛ اما به همان اندازه که این موضوع میتواند ترسناک باشد، جدی و متأسفانه رایج نیز هست که می‌تواند هم بر دختران و هم بر پسران تأثیرگذار باشد. در بسیاری ...

صفحه ۴

افغانستان و القاعده

پنج سال بدون اسامه بن لادن

در تاریخ ۲ می سال ۲۰۱۱، نیروهای ویژه‌ی ایالات متحده در عملیاتی با اسم رمز «نیزه‌ی نپتون» به زندگی اسامه بن لادن پایان دادند. در ۵ سال پس از آن، بحث‌های زیادی در رابطه با تأثیر مرگ اسامه بر جنگ با ترور صورت گرفته است ...



داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

+93(0)777071333
+93(0)700071333
+93(0)790071333
+93(0)786071333
www.flyariana.com
info@flyariana.com

یکطرفه	دو طرفه
کابل - مسکو 300\$	590\$
کابل - دهلی 135\$	266\$
کابل - هرات 6000AF	12000AF



آب منبع حیات است




برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات، بنا بر تصمیم و انتخاب خود مردم روستاها هزاران شورای انکشافی قریه را به میان آورده است و با ظرفیت دهی به این شوراها، زمینه‌های انکشاف متوازن و ضروری را در عموم ولایات کشور مهیا ساخته است. اکنون این شوراها انکشافی با استفاده از تجارب، توانمندی‌ها و امکاناتی که در مدت بیشتر از یک دهه بدست آورده اند، خود به نهادهای کارآ و فعال مبدل شده اند و می‌توانند به ابتکار خویش، منابع تمویل را جستجو کرده و با سهمگیری چشمگیر مردم، در راستای آبادانی و انکشاف روستاهای شان کوشا باشند. اکنون اهالی روستاهای ما می‌توانند بسا معضلات اقتصادی، اجتماعی و محیطی خود را، بنا بر آموزه‌های فراگرفته از برنامه همبستگی ملی، خود حل و فصل نموده و به رفاه و معیشت خوب برسند.

نمونه خوب این توانمندی را در ولسوالی شهرک ولایت غور نگریم می‌توانیم. طی سال‌های قبل، یک تعداد از قریه‌های این ولسوالی با کمبود آب آشامیدنی و زراعتی مواجه بودند که از این میان می‌توان قریه «ناسفنج» را نام برد. قریه ناسفنج یکی از قریه‌جات مشهور و سرسبز ولسوالی شهرک ولایت غور است که در بین تپه‌های نیمه هموار و سرسبز و زیبا موقیعت دارد. باغ‌های درختان میوه‌دار، کوه پایه‌ها و دره‌های جالب و دیدنی از سمت شمال به سوی جنوب، این قریه را احاطه کرده است آب و هوای گوارا و طبیعت حیرت‌آور قریه برای هر بیننده جالب و دیدنی است. شورای ناسفنج از چند قریه و دره تشکیل شده که عبارت از شاخ ملان، سرچنگل، سنگ سرخ و نوکول می‌باشد و تعداد فامیل‌های قریه به (۲۲۴) فامیل می‌رسد. شغل و پیشه اهالی قریه زراعت و مالدار می‌باشد و از آن طریق مشکلات زندگی خود را مرفوع می‌سازند.

قبلاً مردم این قریه بخاطر کشت و زراعت و سرسبز نگهداشتن روستای شان از کمبود آب زراعتی بسیار رنج می‌بردند، زیرا در اثر نبود آب، یک تعداد از باغات شان خشک گردیده و از کشت سبزیجات نیز، خبری نبود. حتی بعضی اوقات حیوانات آنان نیز از کمبود آب به مشکلات روبرو می‌شدند، تا این که یک‌بار دیگر زمینه برای تطبیق مرحله دوم برنامه همبستگی ملی در این قریه مساعد گردید.

شورای انکشافی قریه ناسفنج با در نظر داشت نیاز مردم، به تعداد (۳) باب ذخیره‌گاه آب زراعتی را در اولویت قرار دادند و به تطبیق آن همت گماردند.

زمانی که پول پروژه، بوسیله برنامه همبستگی ملی وزارت احیا و انکشاف دهات در اختیار آنان قرار داده شد، آنرا با اضافه ده فیصد سهم مردم، در این راستا به مصرف رسانیدند. البته بنا بر فیصله تمام مردم، مزدی را که از کار پروژه‌ها بدست می‌آوردند نیز در خریداری سمنت و مواد ضروری دیگر به کار بردند.

پول مجموعی ذخیره‌های آب زراعتی شورای انکشافی مذکور، مبلغ (۱۵۶۰۰۰۰) افغانی بوده و از مزایای آن به تعداد (۱۱۲۰) نفر (۲۲۴ فامیل) استفاده کرده و در حدود (۱۰۰) جریب زمین زراعتی تحت آبیاری قرار گرفته است.

یکی از اطفال قریه که نام خود را میرویس و متعلم مکتب معرفی کرد، می‌گوید: «به فضل خداوند ذخیره‌های شورای انکشافی، برای زمین‌ها و حیوانات ما خیلی فایده‌مند بوده و آسانی زیادی را برای ما بوجود آورده است. چون به تمام کشت‌های ما آب فراوان می‌رسد، امسال، سبزیجات نیز داریم و خوب کلان شده اند، اما پارسال که ذخیره آب نداشتیم از سبزیجات خبری نبود».

خانم طوطی معاون شورای انکشافی قریه ناسفنج، نیز در مورد اثرمندی ذخیره‌های آب زراعتی قریه شان می‌گوید: «امسال مقدار آب خیلی خوب است و شما مردم ما را می‌بینید که چطور خوشحال هستند. اکنون همه کشت زارهای ما آب فراوان دارد و مشکل آب زراعتی ما تا حدود زیادی حل گردیده است. قبلاً که آب زراعتی نداشتیم، کشتزارها و باغات ما خشک می‌شدند و مردم قریه ما به مشکل بزرگی روبرو بودند. حالا مردم با همت قریه ناسفنج به همکاری برنامه همبستگی ملی، مشکل کمبود آب زراعتی را از میان برداشته و با خوشی زندگی دارند».



شنبه

۱ جوزا

۱۳۹۵

سال پنجم

شماره ۱۰۷۰



یادداشت روز

ما از حکمتیار چه می‌خواهیم؟

کله عمران راتب

این روزها همه‌می بازگشت گلبدین حکمتیار به عرصه‌ی سیاست، تبدیل به یکی از بحث‌های داغ رسانه‌یی شده است. دولت‌مداران نهنها با افتخار، بلکه با تاکید زیاد از این مسأله سخن می‌گویند. اشرف‌غنی ظاهرا نقش و پشت‌کار اصلی را در نهایی شدن مذاکره با حکمتیار دارد و عبدالله‌عبدالله رییس اجرائیه‌ی حکومت وحدت ملی نیز گفته است که حاضر است به‌خاطر منافع ملی با خصم سر سفره‌ی واحدی نشسته غذا بخورد. عبدالله و حکمتیار از دو خواست‌گاه متضاد و یکدیگرستیزانه برخاسته‌اند. سال‌های زیادی حکمتیار در یک اردوگاه و عبدالله در اردوگاه دیگر، هرچند در نقش نه‌چندان تعیین‌کننده، در برابر هم جنگیده‌اند. بر اساس تحولاتی که در افغانستان رونما شد، گروه‌بندی‌های سیاسی به‌شدت دچار دیگرگونی و تحول شدند. قبیان آمدند در طرح ایجاد یک سیاست واحد و منافع ملی کنار هم نشستند و نیز چه‌بسا دوستان پیمان‌کرده بر همین محور از هم دور شدند. حکمتیار اما در این هنگامه، همچنان بر موضع مخالفت با دولت نوتشکیل ثابت ماند و بر طبل ویرانی و نابودی این کشور کوبید. حکمتیار در دوران بسپاهشداد و تا امروز درست همان کاری را کرده است که در گرم‌گرم جنگ‌های داخلی فراگیر همه با آن درگیر بودند. با چنین وصفی، امروزها گویا از بازگشت آبرومندانه‌ی این چهره‌ی «بدنام» در تاریخ مملو از خشونت افغانستان سخن گفته می‌شود. هرچند رولا غنی همسر رییس‌جمهور کشور در این اواخر گفته است بگذارید جهادیان حالا که در مراحل پایانی زندگی‌شان ایستاده‌اند، به وطن خود برگردند، اما در خصوص حکمتیار این فقط یک برگشت ساده نیست. حکمتیار اگر حکومت به‌صورت بنیادی بتواند آن را از گذشته‌ی سیاهش جدا کند و لباس یک شهروند مسئول، نگران حیثیت و بهبودی کشور و پایند به منافع ملی را به تنبش بپوشاند، امتیازی است که نصیب ملت می‌شود. برای این‌که این ملت است که زبان واقعی از بودن حکمتیار در جمع گروه‌های هراس‌افکن و تروریستی را متحمل می‌شود. اما اگر با تمام پیش‌نیازهایی که حکمتیار برای بازگشت خود جلو حکومت گذاشته و با امتیازهای هنگفتی که سنگینی آن بر شانه‌های مردم بار می‌شود این بازگشت صورت بگیرد و بعد هم دوباره همان آتش و کاسه‌ی سابق «سر سفره‌ی ملت» قرار بگیرد، این هزینه‌یی است که باید جدی‌تر و ظریفانه‌تر به آن نگریت. این نگرانی را می‌توان در قالب سوالی مطرح کرد: ما از حکمتیار چه می‌خواهیم؟

یک: افغانستان در وضعیت کنونی سرزمین خشونت‌پروری و تضادآفرینی است. اتحاد سطحی و نیم‌بندی که میان گروه‌های سیاسی متخاصم و قدرت‌های کج‌اندیش به‌وجود آمده، برحسب منافع است که هریک به‌طور جداگانه می‌تواند از آن در پر کردن خزانه‌ی خود استفاده کند. گویا شرکت سهامی‌یی ایجاد شده که در آن گروه‌های سیاسی سهم دارند و عاید کلی بر اساس رقابت درونی این گروه‌ها تقسیم می‌شود. فقط مازاد سود این شرکت مال ملت است که از قضا، تاکنون ما شاهد این مازاد سود نبوده‌ایم. لذا ملت در این شرکت سهمی ندارد. با حرکت از این منظر، کافیست اندک‌ترین اختلاف و زیاده‌روی‌یی در رقابت و یا میزان سهم‌گیری به‌میان آید تا کل شرکت از بنیاد دیگرگون گردد. این هشداری است که هر لحظه در زیر پوست این اتحاد ظاهری تشدید می‌شود و هر آن ممکن است به نقطه‌ی خطرناک‌تری برسد. آن‌وقت ما شاهد یک وضعیت فوق‌العاده استثنا خواهیم بود. بازگشت حکمتیار در این بوجوه، آیا آبی است که بر این آتش پنهان تضادها و تقابله‌ها پاشیده می‌شود یا این‌که حکمتیار خود اژدهای زخم‌خورده‌ی دیگری است که به محض ورود به عرصه‌ی اقتدار قانونی، شگاف‌ها را عمیق‌تر می‌سازد و نابه‌سامانی را نهادینه‌تر؟

دو: سازوکار سیاست در افغانستان علی‌رغم وجود مظاهر سیاسی مدرن و دموکراتیک، هنوز بر محور دیدگاه خانثانی و امیرنشین اداامه دارد. منافع قبل از آن‌که منافع ملی باشد، منافع قبیله است و این قبیله برای اعاده‌ی منافع خود، خود را نیازمند داشتن امیر مقتدری می‌بیند. عده‌یی این امیر را دارند و عده‌ی دیگر نیز در صدد ساختن آن است.

این چیزی است که ما عملا در رقابت‌های سیاسی شاهد آن هستیم.

حکمتیار بر این مبنا، ظرفیت بالا و قابل‌توجهی برای امیر قبیله و زهر چشم برای دیگران شدن را در خود دارد. بخشی از مردم کشور که گروه‌های دهشت‌افکن طی سال‌های متعددی زمینه‌ی دهشت‌افگنی خود را بر زمین آن‌ها نهاده، به مرور زمان و استمرار وضعیت خشن و غیرمردمی امکان‌های خشونت‌پروری در میان آن مردم نسبت به دیگر ساحات بیشتر است. بخشی از مردم به دلیل وابستگی‌های ایدئولوژیک دیری است که به‌سوی حکمتیار، با چشم یک منجی موعود و رهبر تبعیدی می‌بینند. یعنی حکمتیار برای بازگشت خود به قدرت، از یک پایگاه مردمی نیرومندی برخوردار است که هم خود و حزبش و هم هم‌پیمان‌های سیاسی‌اش می‌تواند از آن به‌عنوان یک اهرم فشار نیرومند در برابر دیگران استفاده کند. پیوستن حکمتیار به حکومت و کسب اقتدار سیاسی مشروع اگر از کنار این موارد نادیده بگذرد، بدون شک پیامد ناگواری خواهد داشت. اگر هم حکومت با درک این نکته، بتواند حضور حکمتیار در قدرت را به‌گونه‌ی سالم مدیریت کند، می‌تواند از حکمتیار به‌مثابه چماقی برای کوبیدن بر سر گروه‌های تروریستی و خشونت‌پیشه که خود سال‌های زیادی تجربه‌ی مشترک با آن‌ها را دارد، استفاده نماید. سه: مهم این است که بدانیم اراده‌ی حکومت در پس پافشاری مصالحه با حکمتیار کدام یک از این موارد و تبعات آن است. اگر حکمتیار «مهره‌ی سوخته»یی فرض شود که برگشت آن سود و زبانی متوجه کشور نمی‌کند، پس دیگر چه نیازی است به این‌همه هزینه‌یی که حکومت برای برگشتش می‌پردازد؟ اگر چنین نیست و حکومت می‌تواند از حکمتیار متحیت یک عنصر تأثیرگذار و ثمربخش به‌سود کشور استفاده کند، آیا این عقیده با شناختی که از حکمتیار در دست است و تجربه‌ی تلخی را که مردم از گذشته‌ی این شخص دارند، چه‌قدر می‌تواند مورد اعتماد و اطمینان باشد؟ در صورت منفی بودن این دو مورد، مورد سوم این خواهد بود که با بازگشت حکمتیار به صحنه‌ی اقتدار سیاسی، خشونت و دهشت‌افگنی با مشروعیتی که به‌دست می‌آورد، بیش از پیش تشدید خواهد شد. آیا در آن‌صورت روزهای سختی در انتظار مردم نخواهد بود؟ آیا جانب مذاکره در حکومت، به این مورد اندیشیده است؟ بدون شک که نمی‌توان چنین احتمالی را از نظر دور انداخت، پس در پس خواست مصالحه با حکمتیار، چه هدفی خوابیده است واقعا؟ این در حالی است که در مذاکره‌ی صلح میان حکومت و حکمتیار، هیچ حرفی از ججم سنگین جنگ‌افزارهایی که حزب اسلامی در اختیار دارد، به‌میان نیامده است.

ناتو: پس از ۲۰۱۶ نیز در افغانستان

مأموریت «حمایت قاطع» را ادامه می‌دهیم

دبیر کل ناتو گفته است که این سازمان آمادگی‌های خود را برای پشتیبانی درازمدت از افغانستان در نشست پیش‌رو در وارسا بازنگري خواهد کرد تا با چه میکانیزمی از افغانستان در بخش‌های نظامی، سیاسی و مالی پشتیبانی کند. مقام‌های ناتو گفته‌اند که سران این سازمان در نشست وارسا کمک‌های‌شان را به افغانستان تأیید خواهند کرد.

صلاح‌الدین ربانی، وزیر خارجه‌ی افغانستان نیز که در نشست وزیران خارجه‌ی ناتو اشتراک کرده بود در حاشیه‌ی آن با نماینده‌ی ویژه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در امور خارجی در مورد نشست وارسا و بروکسل گفت‌وگو کرده است. نشست سران کشورهای عضو ناتو قرار است تا کم‌تر از دو ماه دیگر در شهر وارسای پولند، برگزار شود. همچنان نشست بروکسل قرار است در هفته‌ی اول ماه اکتوبر امسال در بلژیک برگزار شود.

از سوی هم اعضای ناتو به‌طور جداگانه در حال بررسی کمک‌های مالی به نیروهای امنیتی افغانستان تحت برنامه به نام «صندوق اردوی ملی افغانستان» هستند. این طرح قرار بود تا سال ۲۰۱۷ اجرا شود اما اکنون تا سال ۲۰۲۰ تمدید شده است.

دبیر کل ناتو گفته است که جمع کمک‌ها به «صندوق اردوی ملی افغانستان» در حال حاضر ۱.۴ میلیارد دالر در نظر گرفته شده است.

اقدامات عملی پاکستان علیه هراس افگنان؛ شرط وضع شده

از سوی کانگرس امریکا بر کمک‌های این کشور به پاکستان

خوانده و گفته است که به صلح باید یک شانس داده شود. وی افزود: «اعلامیه‌ی مشترکی که پس از نشست چهارجانبه پخش شد پیام واضحی داشت؛ مبنی بر این‌که باید به صلح یک شانس داده شود؛ زیرا گزینه‌ی دیگری نداریم. ما گواه گزینه‌ی نظامی بوده‌ایم. نتیجه‌ی اقدام نظامی در جریان ۱۵ سال گذشته برای تمامی شما روشن است. نمی‌خواهم به جزئیات آن بروم؛ اما باور داریم که پاکستان در این زمینه صادقانه تلاش می‌کند.»

در همین‌حال، ریاست‌جمهوری افغانستان از اسلام‌آباد خواسته است تا در برابر هراس افگنان یکسان اقدام کند. دواخان مینه پال، معاون سخن‌گوی ریاست‌جمهوری گفته است: «خواست حکومت افغانستان از پاکستان این است که همان‌طوری که در برابر دشمنان خودش اقدام می‌کند در برابر دشمنان مردم افغانستان نیز همان‌گونه اقدام نماید.»

کانگرس امریکا در حالی کمک‌های کشورش را به پاکستان مشروط به اقدام عملی این کشور علیه هراس افگنان گذاشته که پیش از این افغانستان نیز بارها از پاکستان خواسته بود که علیه گروه‌های هراس افگن از اقدامات نظامی استفاده کند.

همچنان افغانستان خواسته بود که علیه گروه‌هایی که به روند صلح نمی‌پیوندند از اقدامات نظامی کار گرفته شود. اما پاکستان تاکنون دست به این اقدام نزده و طالبان که گفت‌وگوهای صلح را رد کرد تاهنوز علیه آنان از این اقدام کار گرفته نشده است.

دیدار وزیر خارجه بانماینده‌ی ویژه‌ی امور خارجی اتحادیه‌ی

اروپا در بروکسل

انتظار دارند صحبت کرده است.

همچنان دو طرف در مورد پیشرفت‌های روند صلح و حمایت اتحادیه‌ی اروپا از این روند و موضوعات منطقه‌یی آن بحث کرده‌اند.

دفتر نماینده‌ی ویژه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در افغانستان با نشر خبرنامه‌یی گفته است که این دو مقام بالای آماده‌گی‌ها برای نشست سران ناتو که در وارسا در ماه جولای سال روان میلادی برگزار خواهد شد، و همچنان بالای نشست بروکسل که در ماه اکتوبر برگزار می‌شود نیز بحث کرده‌اند.

در خبرنامه‌ی وزارت خارجه آمده است که خانم موگرینی آمادگی‌های افغانستان برای نشست بروکسل را ستایش کرده و اطمینان داده که اتحادیه‌ی اروپا به حمایت خویش از برنامه‌های حکومت افغانستان ادامه خواهد داد.

در این دیدار همچنان دو طرف در مورد مشکلات پناهجویان افغان در کشورهای اروپایی نیز گفت‌وگو کرده‌اند.

۱۳عضو یک خانواده در انفجار

ماین در بغلان مرکزی

جان باختند

اطلاعات روز: مقام‌های محلی ولایت بغلان می‌گویند که ۱۳عضو یک خانواده در انفجار یک ماین کنار جاده در شهر بغلان مرکزی جان باخته‌اند.

این انفجار صبح روز جمعه در منطقه‌ی قیصرخیل یکی از روستاهای اطراف شهر بغلان مرکزی رخ داده است. در این انفجار ۱۳ عضو یک خانواده به‌شمول شش کودک، چهار مرد و سه زن کشته و سه نفر زخمی شده‌اند.

عبدالستار بارز، والی بغلان گفته است این خانواده عازم شهر بغلان مرکزی بود که موتر آنان با ماین کارگزاری شده در مسیر آنان برخورد کرده است.

تاکنون هیچ گروهی به‌شمول طالبان مسئولیت این رویداد را به عهده نگرفته است. پولیس بغلان گفته است که این ماین از سوی شورشیان در کنار جاده علیه نیروهای امنیتی جاسازی شده بود.

والی بغلان گفته است که طالبان چند روز پیش این منطقه را با حمله به یک پاسگاه نیروهای خیزش مردمی، به تصرف در آورده بودند و ماین را نیز همان زمان در محل جاسازی کردند.

ولایت بغلان در روزهای اخیر شاهد ناامنی‌های شدید بوده است. هفته‌ی گذشته طالبان با حمله بر پاسگاه‌های نیروهای امنیتی در منطقه‌ی سرخ‌کوتل در مربوطات شهر پل‌خمری بیش از ۶۰ سرباز را در محاصره قرار دادند. اما روز چهارشنبه مقام‌های امنیتی گفتند که با عملیات نیروهای یشتیان، سربازان از محاصره‌ی طالبان نجات یافته اما پاسگاه‌هایی به‌دست طالبان سقوط کرده است.

با این‌حال والی بغلان گفته است که اکنون با حمایت نیروهای هوایی، عملیات پاکسازی در این مناطق جریان دارد.

کابینه افزایش بیش از هشت

میلیارد افغانی در بودجه‌ی

سال ۱۳۹۵ را تأیید کرد

اطلاعات روز: کابینه‌ی حکومت وحدت ملی در نشست اخیر خود طرح افزایش بیش از هشت میلیارد افغانی در بودجه‌ی عادی و انکشافی سال ۱۳۹۵ را تأیید کرد.

دفتر مطبوعات ریاست‌جمهوری با نشر خبرنامه‌یی گفته است که این طرح از سوی وزارت مالیه در نشست روز پنج‌شنبه کابینه ارائه شد که مطابق آن بیش از هشت ملیارد و ۵۸۴ میلیون افغانی در بودجه‌ی عادی و انکشافی سال مالی ۱۳۹۵ به قسم ضمیمه افزایش می‌یابد.

همچنان معین گمرکات وزارت مالیه افزایش بیش از ۲۲ میلیون افغانی در بودجه‌ی انکشافی دفتر وزیر دولت در امور رسیدگی به حوادث طبیعی را به قسم ضمیمه‌ی بودجه‌ی سال ۹۵ به کابینه پیشنهاد کرده است که این دو پیشنهاد از سوی کابینه تأیید شده است.

بودجه‌ی سال ۱۳۹۵ مبلغ ۴۴۴.۶ میلیارد افغانی (معادل ۶.۶ میلیارد دالر امریکایی) است که در آن ۲۷۶ میلیارد افغانی بودجه‌ی عادی و ۱۶۸.۵ میلیارد افغانی بودجه‌ی انکشافی در نظر گرفته شده است.

بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۵ نسبت به بودجه‌ی سال مالی ۱۳۹۴ در کل شش درصد افزایش یافته است. در بودجه‌ی سال جاری ۶۵ درصد آن از سوی منابع خارجی تمویل می‌شود و متباقی ۳۵ درصد دیگر آن از منابع داخلی تأمین خواهد شد.



افغانستان و القاعده: پنج سال بدون اسامه بن لادن

هافینگتن پست/عبدالله شریف

ترجمه: معصومه عرفانی



عقیده فردی و افکار عمومی

ستاره ثابت

یک: حرمت گذاشتن به عقیده فردی مشخصه جوامع تکثرگرا و مدنی است. بدون آن که بتوان به عقیده و باورداشت‌های تک‌تک آدم‌ها حرمت قابل شد و آن را به باد استهزا نگرفت و یا بدون تمسخر و تحریم کردن از کنارش گذشت و با این حال جدی‌اش گرفت، نمی‌توان درک شدن خود را از دیگران انتظار داشت. از کنار باور و عقیده‌ی بدون دخالت گذاشتن و در عین زمان آن را جدی گرفتن به این مفهوم که تلاش شود آن عقیده به‌صورت درست و شایسته درک و فهم شود اما مورد نفی و تحریم قرار نگیرد. تحریم و نفی کردن چیزی حکایت از درک نشدن آن در نزد شخص دارد و فقط در این صورت است که شخص خودش را در مقام حقیقت مطلق می‌بیند. چنین آدم‌هایی معمولاً از ایجاد پیوند منطقی میان کارکرد حواس‌شان عاجزاند: با چشم می‌بینند و بی‌آن‌که آن را به عقل‌شان ارجاع دهند در موردش قضاوت می‌کنند؛ با گوش‌شان می‌اندیشند و با دست‌وپای‌شان حرف می‌زنند اما با عقل‌شان فقط می‌خوابند.

دو: عقیده و باور فردی چیزی است که نمی‌توان آن را با انارشیزم و یا بی‌مسئولیتی در قبال تعهدات جمعی اشتباه گرفت. باور داشتن به امری، آخرین مرحله‌ی مواجهه‌ی شخص با آن امر است. آخرین مرحله، یعنی قبل از آن باید مراحل بدبینی، شک، پرسش، نقد، تجربه و اثبات را گذراند. این نوع باور زاده‌ی آگاهی و سنجش است. هر عقیده‌ی که این مراحل را پشت سر نگذاشته وارد مرحله‌ی یقین و قطعیت می‌شود، می‌تواند گمراه‌کننده باشد. پیامد چنین یقینی جز نفی و تحریم چیز دیگری نمی‌تواند بود و باید از آن ترسید. به چنین یقینی منطقی نمی‌توان با دیده‌ی مثبت نگریست و از کنارش گذشت. زیرا یقینی که بدون شک و نقد به دست آمده، خاموشی دیگران را نیز با همان جزمیت به‌معنای همراهی با خود درک می‌کند و نتیجه‌ی این یقین تباهی انسان‌ها است. چنین یقین و باور جزمی‌ی را باید نقد کرد و از عواقب مهلکش دیگران را آگاه نمود.

سه: عقیده‌ی فردی هم می‌تواند نتیجه‌ی آگاهی باشد و هم می‌تواند زاده‌ی باورمندی جزمی و فاقد پرسش. این دو را باید از هم تفکیک نمود و با دو رویکرد متفاوت با هریک برخورد نمود. هر دو را باید نقد کرد و مورد شک قرار داد، اما نمی‌توان به هر دو عین حرمت را قایل شد. زیرا وقتی عقیده‌ی آگاه با نقد و پرسش مواجه می‌شود در پی اثبات حقایق خود بر می‌آید و چنین ظرفیت و امکانی را هم دارد، اما باور جزمی چون برای استقرار خود چنین مرحله‌ی را قبلاً سپری نکرده، می‌کوشد دوباره با همان جزمیت در پی نابودی پرسش و پرسش‌گر برآید. از این رو حرمت قابل شدن همسان به این دو امر آگاهی مبتنی بر نقد و پرسش و یقین و باور فاقد پرسش، خود گمراهی دیگری است.

چهار: افکار عمومی اما، برخورد متفاوتی را از ما می‌طلبد. اگر مسأله‌ی آگاهانه و به‌منظور گسترش بیشتر آگاهی تبدیل به افکار عمومی شده است، رسالت ما در برابر آن فقط بی‌تفاوتی، بلکه همراه شدن با آن است. زیرا اگر زمانی ما از نزد باور و عقیده‌ی فردی بی‌تفاوت می‌گذریم، معنایش این است که ما در وراء و فراتر از آن به‌دنبال چیزی هستیم. چشم به انسان‌ها و عقیده‌ها و حقیقت‌های دیگر دوخته‌ایم و به آن یک باور به‌عنوان حقیقت واحد و آخرین امکان نگاه نمی‌کنیم. ولی وقتی با چنین حقیقتی در افکار عمومی بر می‌خوریم، معنایش این است که گزینه‌ی فراتر از آن و قابل پذیرش‌تر از آن وجود ندارد. ممکن است ما در میان مجموع آدم‌هایی که وابسته به آن حقیقت عمومی‌اند، تفاوت‌هایی را شاهد باشیم، این قابل درک است، اما عصاره‌ی قابل اعتماد و اعتنا همان چیزی است که ما آن را افکار عمومی نامیدیم. این یک سمت قضیه است. سمت دیگر قضیه دوباره همان باورمندی جزمی و بدون پرسش است که صورت عمومی یافته است. وقتی چنین باور و نگاهی از یک شخص در میان جمعی از اشخاص گسترش می‌یابد، معنایش این است که جزمیت و انعطاف‌ناپذیری و نفی و تحریم نیز گسترش یافته و همگانی شده است. لذا وجه ویران‌گرانه و تباهی‌آورش نیز عمومی و همگانی شده است. این گونه افکار عمومی نیز وحشتناک و مهلک است.

پنج: لذا باید متوجه بود که ما با کدام یک از این دو آگاهی یا دید سنگ‌شده روبه‌رو هستیم و با قبول این اصل، رسالت ما در برابر آن دو چیست. آگاهی‌یی که با هدف و انگیزه‌ی گسترش آگاهی و روشنی بیشتر در برابر ما قرار دارد و خوب می‌داند که چه کار می‌کند و چرا باید این کار را بکند، یا آن دیدی که بر اثر جزمیت و سنگ‌شدگی در گرداب سنت و تعصب و یا هم‌دیکته از بیرون (این خطرناک‌تر است) بر جان و جهان آدم‌ها سلطه می‌راند. اگر موفق به تشخیص این مسأله نشدیم و یا هم آن را درک کردیم و در برابرش بی‌تفاوت بودیم، بدانیم که ما نیز در برابر آگاهی و خرد بی‌اعتنا و نسبت به جزمیت و تعصب خواب‌رفته هستیم و این خود به گسترش و فراگیر شدن تعصب و تاریکی کمک می‌کند. کلام نهایی: ببینیم که چه جریان دارد، چرا چنین است و چه باید کرد.

ادامه داده و حکومت خودخوانده‌ی دولت اسلامی (داعش) را ایجاد کردند که ثابت کرد به مراتب مرگ‌بارتر و ویران‌گتر از دیگر گروه‌های تروریستی است.

به‌تازگی، یکی از پسران بن‌لادن، حمزه بن‌لادن، در یک ویدیو ظاهر شده است. پیام بن‌لادن جوان برای گروه‌های جهادی در شرق میانه این است که متحد شوند. آیا حمزه قادر خواهد بود تا میراث پدرش را احیا کند؟ به احتمال زیاد این اتفاق حداقل در کوتاه‌مدت ممکن نخواهد شد، اما سوال همچنان باقی خواهد ماند.

القاعده در حال حاضر جایگاه قدرتمندی در افغانستان ندارد. تعدادی از طالبان وفاداری خود را به داعش اعلام کرده‌اند. در نتیجه، دولت اسلامی موفق شده است تا در شرق افغانستان پایگاه داشته باشد. داعش به افغانستان با عنوان ایالات خراسان اشاره می‌کند. این نامی است که اعراب در دهه‌ی ۷ و پیش از حمله به این منطقه و آوردن اسلام به سرزمین‌هایی که اکنون افغانستان خوانده می‌شود استفاده می‌کردند. طالبان افغانستان تصدیق کرده‌اند که اجازه دادن به القاعده و اسامه بن لادن برای اقامت در افغانستان در سال ۱۹۹۶ یک اشتباه بوده است. اگر آن‌ها (طالبان) این کار را انجام نمی‌دادند، مورد خشم و غضب نیروهای امریکایی نیز قرار نمی‌گرفتند و بنابراین، آن‌ها تا امروز قدرت را در افغانستان به دست داشتند.

پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان، اسامه بن‌لادن به سرزمین مادری‌اش عربستان سعودی بازگشت، و پادشاهی کشور را محکوم کرد که اجازه داده‌اند نیروهای امریکایی در نخستین جنگ خلیج برای اخراج عراق از کویت از خاک عربستان استفاده کنند. سعودی حق شهروندی او را لغو کرده و بن‌لادن را به سودان تبعید کرد. او در سودان به تقویت القاعده و طراحی حملاتی علیه امریکا و منافع آن ادامه داد. در سال ۱۹۹۶، او مجبور به ترک سودان شد. او و همراهانش در زمانی که طالبان حکومت خود را آغاز کرده بودند به افغانستان پرواز کردند.

افغان از طریق پاکستانی‌ها کردند تا آن‌ها را برای مبارزه در برابر تهاجم ارتش سرخ شوروی آماده سازند. در همان زمان، صدها نفر از سراسر کشورهای خلیج، از جمله افرادی ثروتمند مانند اسامه بن لادن، از عربستان سعودی به شهر پیشاور در پاکستان رفتند. ده‌ها نفر دیگر از طبقات غیرمرفه از کشورهایی مانند مراکش، لیبی، مصر، الجزایر، در جنگ «خوب» یا جهاد علیه «کافران» اتحاد جماهیر شوروی به آن‌ها پیوستند. تأثیرگذاری این گروه‌ها و تلاش‌های آن‌ها برای کمک به افغان‌ها در مبارزه با اشغالگران قابل‌بحث است. اما شکی در رابطه با افراط‌گرایی و شبکه‌های آن‌ها وجود ندارد که در نهایت منجر به ایجاد القاعده در سال ۱۹۸۸ به رهبری اسامه بن‌لادن شد.

پس از خروج اتحاد جماهیر شوروی از افغانستان، اسامه بن‌لادن به سرزمین مادری‌اش عربستان سعودی بازگشت، و پادشاهی کشور را محکوم کرد که اجازه داده‌اند نیروهای امریکایی در نخستین جنگ خلیج برای اخراج عراق از کویت از خاک عربستان استفاده کنند. سعودی حق شهروندی او را لغو کرده و بن‌لادن را به سودان تبعید کرد. او در سودان به تقویت القاعده و طراحی حملاتی علیه امریکا و منافع آن ادامه داد. در سال ۱۹۹۶، او مجبور به ترک سودان شد. او و همراهانش در زمانی که طالبان حکومت خود را آغاز کرده بودند به افغانستان پرواز کردند. افغانستان، به‌عنوان یک دولت شکست‌خورده، محیط کاملاً مناسبی برای اسامه بن‌لادن بود تا نخستین تلاش‌های خود برای طراحی حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ را آغاز کند. اگرچه بلافاصله پس از این حمله، او به‌عنوان متهم اصلی هدف قرار گرفت، رییس‌جمهور بوش مدتی بعد اعلام کرد که جنگ با ترور بزرگ‌تر از تنها هدف گرفتن یک نفر است. نیروهای ایالات متحده در قالب «عملیات آزادی بلندمدت»، در ماه دسامبر سال ۲۰۰۱ برای گرفتاری اسامه بن‌لادن رفتند که به افغانستان حمله کرده بود. اما عملیاتی که برای کشتن یا دستگیری او در منطقه‌ی کوهستانی تورا بورا آغاز شده بود، بی‌نتیجه ماند. اسامه بن‌لادن و همراهانش موفق شدند تا خود را به پناهگاه‌های پاکستان و دوست قدیمی خود، سازمان جاسوسی پاکستان (آی.اس.آی) برسانند. میراث اسامه بن‌لادن چه بوده است؟ او و القاعده (ی اصلی) در نتیجه‌ی تعقیب‌های بی‌وقفه‌ی ایالات متحده به حاشیه رانده شدند که در نهایت منجر به مرگ اسامه بن‌لادن شد. بسیاری دیگر از همکاران بن‌لادن نیز با سرنوشتی مشابه مقابل شدند. اما همچنین آن‌ها قادر بودند تا سازمان‌های تروریستی مشابهی را در شرق میانه و مناطقی دیگر ایجاد کنند. تعدادی از این گروه‌های تروریستی حتی از القاعده نیز خوشنودآمیزتر شدند، مانند القاعده در عراق به‌رهبری ابو مصعب الزرقاوی و القاعده در شبه‌جزیره عربستان. بیرون‌الزرقاوی به توسعه‌ی خود

در تاریخ ۲ می سال ۲۰۱۱، نیروهای ویژه‌ی ایالات متحده در عملیاتی با اسم رمز «نیزه‌ی نپتون» به زندگی اسامه بن لادن پایان دادند. در ۵ سال پس از آن، بحث‌های زیادی در رابطه با تأثیر مرگ اسامه بر جنگ با ترور صورت گرفته است. گروه‌های تروریستی زیادی از نیجر به تالیبی، از آفریقا تا شرق میانه و سایر نقاط آسیا وجود دارند. خطرناک‌ترین و یکی از گسترده‌ترین گروه‌های تروریستی جهان، دولت اسلامی عراق و شام است. تروریسم چون آتشی سرکش، به‌سرعت در کشورهایی که از لحاظ سیاسی بی‌ثبات و شکست‌خورده هستند گسترش می‌یابد. با توجه به سرعت انتشار تروریسم در جهان، توقف این روند کاری بسیار دشوار است، و حتی از بین بردن منبع اصلی آن نیز در حقیقت به معنای خاموش کردن کامل آتش نیست. پایان نهادن بر این آتش، نیازمند تلاش‌هایی هماهنگ است و مدت زیادی را در بر می‌گیرد. علی‌رغم مرگ اسامه بن‌لادن، تروریسم به گونه‌ی بی‌مانند در حال افزایش است. اما مجازات بن‌لادن برای به قتل رساندن ۳۰۰۰ نفر در ایالات متحده، تصمیم درستی بود. این اقدام، همچنین پیامی به سایر تروریست‌ها بود که جنایات آن‌ها فراموش نخواهد شد و یک روز آن‌ها پاسخگوی گناهان خود خواهند بود.

اسامه بن‌لادن در نزدیکی آکادمی نظامی شهر ابوت‌آباد مخفی شده بود که به سادگی در چشم‌دید مقامات پاکستان قرار داشت. پاکستان همواره منکر داشتن هرگونه اطلاعاتی در رابطه با محل اقامت بن‌لادن بوده و ادعا می‌کرد بنیانگذار گروه تروریستی القاعده و همراهان نزدیک او در منطقه‌ی کوهستانی در مرز افغانستان و پاکستان پناه گرفته‌اند. بعید است که مقامات پاکستانی از حضور او در فاصله‌ی نزدیک با آن آکادمی نظامی پاکستانی آگاه نبوده باشند. این مسأله ماهیت دوگانه‌ی جنگ پاکستان با ترور را نشان می‌دهد که برای طالبان نیز پناهگاه‌هایی امن و حمایت فراهم می‌کند. کشورهایی مانند پاکستان، همواره جرقه‌هایی برای شعله‌ور ساختن آتش تروریسم ایجاد می‌کنند. این یکی از اساسی‌ترین فاکتورهایی است که تلاش‌ها در راستای مبارزه با تروریسم را پیچیده‌تر می‌سازد.

باید به خاطر داشت که ما، ایالات متحده، از افرادی مانند اسامه بن‌لادن و دیگران در سال‌های پایانی جنگ سرد حمایت کرده بودیم. امریکا و تعدادی از دیگر کشورها با حمله‌ی اتحاد جماهیر شوروی سابق به افغانستان در آستانه‌ی کریسمس سال ۱۹۷۹ خشمگین شده بودند. یکی از دلایل حمله پیشگیری از سقوط رژیم کمونیستی افغانستان وابسته به اتحاد جماهیر شوروی بود. این رژیم با حمایت شوروی و پس از کودتای خونین سال ۱۹۷۸ بر سر کار آمد. امریکا و متحدانش مانند مصر، عربستان سعودی، و کشورهای دیگر، آغاز به تجهیز و مسلح ساختن گروه‌های

غچی غچی بهار شد، وقت گل انار شد

الیاس نواندیش

چهل کد

سخیاد هاتاف

هزینه‌اش را کی می‌دهد؟

در سال‌های دانشجویی در افغانستان، رفیق من نعیم نظری کتاب کم حجمی به دانشگاه آورده بود به نام «اناتومی قدرت». ترجمه بود، احتمالاً از انگلیسی. کتابی بود چشم‌گشا. اناتومی قدرت را باید شناخت. اعتراض مدنی، راه‌پیمایی، مذاکره، اعتراض خشونت‌آلود، تهدید، بلوف و مانورهای دیگر ابزارهایی هستند که به کار بردن‌شان بسته به این‌که ما چه شناختی از اناتومی قدرت داشته باشیم، معنا می‌یابد. در غیبت شناختی دقیق یا بالنسبه دقیق از اناتومی و کارکرد قدرت نمی‌توان گفت که جنگ خوب است یا اعتراض مدنی. در خلاء نمی‌توان به یک اصل به‌نام اعتراض مدنی چسبید و یا پیوسته اصرار کرد که جز شورش خشونت‌آلود راه دیگری نیست. مذاکره کردن و خط قرمز تعیین کردن و استفاده از ابزارهای دیگر نیز تنها وقتی اهمیت و کارآمدی خود را نشان می‌دهند که ابتدا تحلیلی از پهنای بازی و ساخت قدرت داشته باشیم. من نظرم را در آغاز جنبش روشنائی گفتم و آن این بود که جامعه‌ی هزاره درگیر یک بازی درونی طولانی است و تا زمانی که حل کردن مشکلات و چالش‌های بیرونی وابسته به چندچون این بازی درونی طولانی است، در پی راه‌حل‌های فوری برآمدن به جایی نمی‌رسد. شما چه به اعتراض مدنی رو بیاورید، چه به مذاکره و چه به راه‌حل‌های نظامی، یک قاعده‌ی مهم حیات جمعی سر جای خود می‌ماند و آن این است: اعتراض مدنی و جنگ و مذاکره گالاهای سیاسی قیمت‌دار هستند. به این معنا که شما هر کدام از این‌ها را که برگزینید، ناگزیر باید به‌خاطر همان گزینه‌ی که انتخاب کرده‌اید از بعضی چیزهای دیگر بگذرید. این یعنی این که هیچ چیز رایگان نمی‌آید. شما اگر می‌جنگید، بهایش را می‌پردازید؛ اگر اعتراض مدنی می‌کنید، بهایش را می‌پردازید و اگر مذاکره می‌کنید یا پشت خط قرمز خود سگرمی بگیرید، بهایش را می‌پردازید. حال، قضیه از این قرار است که شما به‌خاطری می‌جنگید که با جنگ به وضعیتی بهتر برسید؛ به‌خاطری مذاکره می‌کنید که می‌خواهید به چیزی بهتر از آن‌چه اکنون دارید، دست بیابید؛ به‌بیانی دیگر، در خاطراتان هست که سرمایه‌گذاری‌تان روی کالای سیاسی جنگ یا روی کالای سیاسی اعتراض مدنی به شما سود پس بدهد. این که به مردم می‌گوییم به صحنه بیاید تا کسی با سرنوشت شما بازی نکند یا امروز به صحنه بیاید تا نسل فردای‌تان زنده‌گی بهتری داشته باشد، در واقع مردم را به یک سرمایه‌گذاری اساسی ترغیب می‌کنیم. یعنی به آن‌ها می‌گوییم که شما امروز چیزهایی را بدهید، تا بعداً (به زودی یا در درازمدت) چیزهای بهتری بگیرید. این که با حرارت و هیجان دعوت‌شان می‌کنیم که در این فرصت داد-و-گرفت شرکت کنند، نیز به این خاطر است که مطمئن هستیم از این داد-و-گرفت به مردم «سود» می‌رسد. به این‌جا که می‌رسیم، پرسش‌های اساسی این بحث چهره نشان می‌دهند. به این معنا که ناگزیر می‌شویم از خود بپرسیم: مردم چه قدر سرمایه دارند و چه قدر از این سرمایه (سرمایه‌ی مالی و انسانی) را می‌توانند در حرکت‌های مدنی و غیرمدنی هزینه کنند (حجم اولیه‌ی دارایی)؟ - مردم تا کجا می‌توانند پشت حرکت‌های مدنی و غیرمدنی بایستند و آن‌را از نظر سرمایه‌ی مالی و انسانی تأمین کنند (تأمین سرمایه‌گذاری در طول زمان)؟ - مردم تخم‌های خود را در سبد کی می‌گذارند (مسأله‌ی اعتماد اجتماعی)؟ کسانی که نمی‌توانند یا نمی‌خواهند به این سوال‌ها فکر کنند، در واقع حرکت‌های جمعی را خیلی جدی نمی‌گیرند. این که مردم از چه میزان قدرت واقعی برخوردارند، تا کی و کجا می‌توانند مقدار و میزان مؤثری از این قدرت را در صحنه نگه دارند و برای اعمال این قدرت چه کانال‌های رهبری را بیشتر مورد اعتماد می‌دانند، بسیار اهمیت دارد. پاسخ به همین سوال‌هاست که تاحدی روشن می‌کند جنبش‌هایی چون جنبش روشنائی چه سرانجامی خواهند یافت.



ارسالان پیش از ظهر مکتب می‌رود و بعد از ظهر بوت رنگ می‌کند. او از معلم و هم‌صنفی‌هایش پنهان کرده است که بعد از ظهر کار می‌کند. می‌گوید: «به معلم نگفته‌ام، اونا می‌گن چرا رنگ بوت میاری به مکتب، چرا بیک خراب میاری.»

ارسالان می‌گوید با پولیس محلی که او در آن‌جا بوت رنگ می‌کند، دوست شده و مانع کارش در کنار خیابان نمی‌شود. می‌گوید: «یک پولیس است اینجا خوب مریدکه است. دیگر ارا می‌خیستانه ولی مره کار ندارد.»

ارسالان موبایل ندارد و سریال هم تماشا نمی‌کند. می‌گوید تنها گاهی که خانه‌ی خاله‌اش می‌رفته سریال «زهر» را تماشا می‌کرده است. ارسالان علاقه‌مند هیچ هنرمندی نیست و می‌گوید: «نمی‌شناسم.»

درحالی که ابرهای تیره از غرب کابل به‌سوی شرق سینه‌خیز در حرکت است، از ارسالان می‌پرسیم اگر باران بیارد کتاب‌هایش تر خواهد شد. او می‌گوید: «نه تر نمی‌شود، بین این بوجی‌گک می‌مانم و بورس‌هایم را زبیرش می‌مانم.»

از ارسالان می‌پرسیم آیا او امیر ارسالان رومی را می‌شناسد یا نه. می‌گوید: نه، نمی‌شناسم. می‌خواهم شعری را که از مکتب یاد گرفته بخواند، می‌خندد و می‌گوید:

غچی غچی بهار شد
وقت گل انار شد

می‌کند، می‌گوید: «هیچ ایلیش می‌کنم، او دنیا ازش می‌گیرم.»

در جریان گفت‌وگو او به عکس رییس‌جمهور غنی خیره می‌شود و من ازش می‌پرسیم: «ارسالان رییس‌جمهور باید برای مردمش زمینه‌ی کار، درس و تحصیل فراهم کند، تو چه می‌گویی؟»

اندکی مکث می‌کند و می‌گوید: «آمی کار ره بیخی خراب کده، ولا از وقتی که همی شیشته به چوکی هیچ اضافه کار نکرده‌ام. پیش ازی خوب بود روز ۱۵۰ یا ۲۰۰ افغانی کار می‌کدم.»

ارسالان به من می‌گوید هرکس باید به مکتب برود، مدرسه برود. پول پس‌انداز کند و کسانی که مکتب نمی‌رود نباید خانواده‌اش به او پول بدهد. ارسالان می‌گوید: «مادرم مره می‌گه اگه مکتب نری هیچ دیگه د کار هم نمی‌مانم.»

در هنگامه‌ی که کابل آستن رویدادهای بی‌شماری است و می‌رود تا روزهای دیگرش را شاهد رویدادهای تازه‌ی باشد، در یک بعد از ظهر شلوغ پسر کوچکی با یخن‌قاق آبی و شلوار پلنگی پُر از رنگ سیاه و سرخ بوت، آرام گوشه‌ی پیاده‌روی در مزدحم‌ترین نقطه‌ی شهر (سر زیرزمینی) نشسته است و کارخانگی‌اش را می‌نویسد. کلاه‌پشتی مکتبش را زیر پایش گذاشته و با قلمی که رنگش رو به تمام شدن است، داستان «مگس و زنبور عسل» را می‌نویسد. چملمکی ورق‌های کتاب به‌گونه‌ی است که گویا آن‌را از درون آب بیرون کرده و در آفتاب خشک کرده باشی. در پای دیواری که عکس رییس‌جمهور غنی، در مقابل ساختمان شاروالی کابل، نصب شده نشسته است و در حالی که غُرش عبور موترهای حامل کارمندان دولتی صدایش را گُم می‌کند، هنگامی که فارغ از رنگ کردن بوت عابران است، برای فردایش کارخانگی انجام می‌دهد.

از کنفرانس خبری که در «مرکز رسانه‌های حکومت» برگزار شده بود، بیرون شده و آمده‌ام که به سمت دفتر برگردم. آرام و بی‌صدا کنارش می‌نشینم و لحظه‌ی به کاری که انجام می‌دهد، خیره می‌شوم. لحظاتی گذشته است و ناگهان متوجه حضورم می‌شود. کتابچه و قلم‌اش را می‌گذارد و می‌گوید: ده افغانی؟

می‌پرسم: ده افغانی چه؟

می‌گوید: ایچ متوجه نشدم که آمدی، بده بوتته رنگ کنم. من چیزی نپرسیدم و تنها کنارت نشستم، به چشمانش نگاه می‌کنم و این را می‌گویم. لبخند می‌زند و می‌گوید: بیخشی دیگه.

امیر ارسالان نُه سال دارد و صنف دوم مکتب برشناکوت است. می‌گوید یادمانده چه‌وقت بود اما می‌دانم که پدرم در سالنگ شهید شد. می‌پرسم چطوری شهید شد؟ در جوابم می‌گوید: «موترش چپه شد.»

در کابل کم نیستند کودکان خیابانی که دست‌فروشی می‌کنند، اسپند دود می‌کنند و شیشه‌های موتران را تمیز می‌کنند یا هم برای موتران شهری سواری جذب می‌کنند. ارسالان اما می‌گوید: دو بیدار دارم و دو خواهر، یک بیدار و یک خواهرم مکتب می‌روند.

مادر ارسالان رخت‌شویی می‌کند و خودش روزانه از ۲۰ تا ۶۰ و گاهی هم ۱۰۰ افغانی کار می‌کند. می‌گوید: پولی را که روزانه کار می‌کنم برای شب نان می‌برم. او می‌گوید هشت ماه است که کرایه‌ی خانه‌ی‌شان را پرداخت نکرده‌اند و آرزو می‌کند دست مادرش خوب شود.

ارسالان پیش از ظهر مکتب می‌رود و بعد از ظهر بوت رنگ می‌کند. او از معلم و هم‌صنفی‌هایش پنهان کرده است که بعد از ظهر کار می‌کند. می‌گوید: «به معلم نگفته‌ام، اونا می‌گن چرا رنگ بوت میاری به مکتب، چرا بیک خراب میاری.»

ارسالان می‌گوید با پولیس محلی که او در آن‌جا بوت رنگ می‌کند، دوست شده و مانع کارش در کنار خیابان نمی‌شود. می‌گوید: «یک پولیس است اینجا خوب مریدکه است. دیگر ارا می‌خیستانه ولی مره کار ندارد.»

هرچند ارسالان از کارش راضی است اما می‌گوید یگان «بچه‌ی ظالم» پیدا می‌شود که پولش را نمی‌پردازد. از او می‌پرسیم وقتی این افراد پولی به وی نمی‌دهند چکار

<p>هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزل‌تان در یافت کنید</p>			<p>صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا سرمدبیر: جواد ناجی دبیر خبر: عصمت الله سروش گزارشگران: راحله رسول، الیاس نواندیش ویراستار: عمران راتب صفحه آرا: هادی دریابی</p>		
<p>Subscribe to Daily Etilaat Roz</p>			<p>بازاریاب: محمد حسین جويا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲ ایمیل: dailyetilaatroz@gmail.com آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰ مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۳۲</p>		
<p>برای متعلمین و محصلین</p>		<p>برای ادارات دولتی و شرکتها</p>		<p>برای متعلمین و محصلین</p>	
نشش ماهه	۲۰۰۰ افغانی	نشش ماهه	۳۰۰۰ افغانی	نشش ماهه	۲۰۰۰ افغانی
یک ساله	۴۰۰۰ افغانی	یک ساله	۵۰۰۰ افغانی	یک ساله	۴۰۰۰ افغانی
<p>یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسؤلیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.</p>					



Malek Sitez

«شهروند» شگوفاترین واژه‌ی زنده‌گی‌ام است. واژه‌ی شهروند به‌وسیله‌ی کانون حقوق مدنی و سیاسی شامل ادبیات حقوقی گردیده است. جوهر آزادی شهروندی را «منشور کروش کبیر» مطرح کرد اما انقلاب کبیر فرانسه آن را به واقعیت حقوقی و سیاسی در عرصه‌ی روابط بین‌الدول تعمیم بخشید. شعار ارزشمند این انقلاب از نقش و جای‌گاه شهروند در دگرگونی‌های نظام سیاسی و اجتماعی رنگ بست. شهروند از آزادی‌های مدنی به‌سان آزادی بیان، عقیده، اندیشه، تشکیل اجتماعات و رسانه‌ها مستفید است. شهروند کسی است که آزادانه رای می‌دهد و آزادانه خود را به ساختارهای سیاسی پیش کش و کاندید می‌کند. شهروند از حقوق مدنی و سیاسی بهره‌مند است. او ساختار، رژیم و ایدئولوژی حاکم سیاسی و اجتماعی را مشخص می‌سازد.

به‌یاد دارم سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ را زمانی که برای نخستین بار واژه‌ی شهروند را در افغانستان استفاده بردیم، به‌شدت تکفیر مان می‌کردند. من این واژه را در برنامه‌ی رادیویی «صدا» که از سوی رادیو «صبح بخیر افغانستان» نشر می‌شد مطرح کرده و توضیح دادم. برنامه‌ی صدا توسط ژورنالیست جوان و با رسالت سنجر سهیل و تحت مدیریت باری سلام فرهیخته تهیه می‌شد. این برنامه، نخستین و پر مخاطب‌ترین برنامه‌ی حقوق بشری و ارزش محور در افغانستان بود.

سپس برنامه‌ی دومی و پژوهشی را زیر نام «شهروند کیست؟» به مدیریت ژورنالیست گران‌مایه مجاهد کاکر و جوان دانا بکتاش سپاوش راه‌اندازی کردم. به همین سلسله برنامه‌ی ویژه حقوق شهروندی به اشتراک دکتر سمیع حامد عزیزم و من از طریق طلوع به‌نشر رفت. این برنامه را ژورنالیست نواندیش مسعود قیام مدیریت کرد. برخی‌ها در برابر این برنامه‌ها واکنش‌های غرض‌آلودی نشان دادند. آن‌ها ما را به غرب‌گرایی، آرمان‌گرایی و بی‌گانه پرستی متهم می‌کردند. عده‌ی به‌نام این که واژه‌ی شهروند بر خلاف مصطلحات ملی است به‌من اتهام ضدیت به منافع ملی را می‌بستند.

برنامه‌ی سومی به‌همت ژورنالیست با تجربه عبدالقدیر میرزایی زیر نام «پیشینه‌ی حقوق بشر در ساختار مناسبات بین‌المللی» راه‌اندازی گردید. در این برنامه تلاش کردم که به ریشه‌ی واژه‌ی شهروند بپردازم و تاریخ‌چه‌ی آن را به بررسی گیرم. این برنامه هواخواهان زیادی داشت و سه‌بار از طریق تلوزیون آریانا در سراسر جهان تکرار شد. اما دیری نگذشت که از طریق نهادهای مدنی به‌ویژه شبکه‌ی جامعه‌ی مدنی و حقوق بشر تحت مدیریت هم‌کاران گران‌مایه آذریون متین، نعیم نظری و وزیر خرمی رسانه‌ها و ساختارهای رسمی برنامه‌های ترویجی برای این واژه‌ی ارزشمند راه‌اندازی شد. یکی از بهترین برنامه‌ها نقش استاد رهتور زریاب و زنده‌یاد قسیم اکگر در هم‌آیشت دولت و شهروند بود که با تفصیل بر جای‌گاه شهروند مقاله‌های جالبی را ارایه کردند و از سوی رسانه‌ها به‌صورت گسترده پخش گردید. به‌این ترتیب واژه‌ی شهروند به گونه‌ی فرسایشی شامل ادبیات رسانه‌ی و سپس رسمی گردید. تلوزیون ملی زیر مدیریت جناب نجیب روشن کارهای ارزش‌مندی در این زمینه کرد. یکی از این کارها برنامه‌ی گفت‌وگوهای ارزشی بود که توسط خالد خسرو گرامی مدیریت می‌شد. نقش دکتر سپتا و دکتر مرادیان در ترویج این واژه در ساختارهای دولتی به‌ویژه در سیاست خارجی قابل قدر است. به‌یاد دارم در سال ۲۰۰۸ رییس جمهوری برای نخستین بار این واژه را استفاده برد و سپس سایر رهبران حکومتی شروع کردند به استفاده بردن از این واژه‌ی پر مفهوم.

امروز کم‌تر اتفاق می‌افتد که بیش‌تر از سه‌بار این واژه‌ی مقبول را نشنوم. اما پرسشی که هنوز ذهنم را مشغول می‌سازد این است: آیا ما شهروند شده‌ایم؟



Abbas Farasoo

اعتراضات جمعی همواره دارای دینامیزم پیچیده‌ی است. اعتراض و مشارکت مردم عادی، نقش نخبگان فرهنگی و اجتماعی، رقابت رهبران سیاسی، ایجاد روان شناسی جمعی، تعامل ستیزش آمیز با حکومت و گروه‌های مخالف بر پیچیدگی اعتراضات جمعی می‌افزاید. در جنبش‌های روشنائی نیز، علاوه بر ادعای اصلی جنبش، میکانیسم‌ها و دینامیزم‌های چند لایه بر آن حاکم بود و هنوز هست. این دینامیزم همان گونه که در بسیج و سازماندهی می‌تواند به مثابه یک موتور محرک عمل کند، اما در راستای عادی سازی وضعیت و مرحله گفت‌وگو ممکن چالش‌های زیادی ایجاد کند.

جنبش روشنائی اعتراض خود را کرد و جدای از تحقق خواست‌های آن، اعتراض این در راستای حکومتداری خوب، شفافیت و حسابدگی، تحول گفتمان سیاسی در کشور تأثیرات مثبت می‌تواند داشته باشد. اما رادیکال کردن جنبش و موضع‌گیری‌های سخت و پافشاری بر تنش‌های بیشتر این جنبش را به شکست می‌کشاند.

باید اجازه داده شود تا کمیسیون بررسی‌های خود را انجام بدهد و نتیجه آن را اعلام کند. مهم این است که جنبش روشنائی صدای اعتراض‌اش را بلند کرد و حکومت نیز به آن گوش سپرد و این خود موفقیتی است که نه تنها به نفع جنبش روشنائی بلکه بر نفع افغانستان است. اما تأکید بر افراط، و برچسب زدن خیانت و معامله بر هرگونه گفت‌وگو و مذاکره، نمی‌تواند منطقی تلقی شود. رقابت رهبران سیاسی در یک جنبش اجتماعی امر تازه و خلاف انتظار نیست، اما این رقابت‌ها می‌تواند جنبش را به مسیر نامطلوب و با پیامدهای پیش‌بینی ناشده‌ی سوق بدهد. به خصوص که اگر رقابت اصلی در میان رهبران سیاسی بر افراطیت و تندروی شد، پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی را در انتظار خواهد داشت و این به معنای تحمیل یک قمار بزرگ بر جنبش خواهد بود. تجربه‌های متفاوت از جنبش‌های اجتماعی-سیاسی نشان می‌دهد که رقابت بر سر تندروی فضای گفت‌وگو و عمل‌گرایی را آسیب می‌زند و جنبش و یا هر نوع حرکت اجتماعی-سیاسی را وارد مراحل ناخواسته‌ی می‌کند. بنابراین، تأکید بر افراط و تندروی نباید به مثابه فضیلت و قدرت تعریف شود. نباید هرکسی که صدای متفاوت و انتقادی داشت به مثابه معامله‌گر محکوم شود. اصلاً نباید این گونه فضای رادیکالیسم ضد گفت‌وگو تقویت شود. بدبینی‌ها و سرخوردگی‌ها نباید گزینه‌های کم هزینه و بلند مدت را آسیب بزنند.

تاریخ افغانستان امروز و فردا به پایان نمی‌رسد، زندگی در افغانستان ادامه دارد و نسل‌های آینده نیز در کنار هم زندگی خواهند کرد و مسایل زیادی در آینده مطرح خواهد شد. مشکلات که امروز به آن دچار هستیم نیز کم و بیش ادامه خواهد داشت. بنابراین، هیچ‌گونه عجله و افراطی نباید جنبش را به سوی وادی‌های ناشناخته و غیرقابل پیش‌بینی سوق بدهد. نباید مردم را به سادگی در خط سرخ مرگ و زندگی قرار داد. ولو که فردا حکومت دوباره تأکید بر مسیر سالنگ بکند، بازهم جنبش روشنائی شکست نخورده است و صدای عدالت خواهی پیروز است. دلیلی ندارد کسی جهان را آخر شده قلمداد کرده بر رادیکالیسمی تأکید کند که شکست آن از قبل قابل پیش‌بینی است و پیامدهای آن سنگین. بنابراین، به‌جای رومانتیک سازی رادیکالیسم و تأکید بر تندروی به مثابه اعتبار شخصی و جمعی، باید در راستای عادی سازی فضا و تمرکز بر گفت‌وگو تلاش صورت بگیرد.

اعلام آماده‌باشی در هندوستان و ایران در پی گرمایش شدید هوا

اطلاعات روز: با نزدیک شدن فصل تابستان در نیم‌کره‌ی شمالی زمین، برخی از کشورها در حال تجربه‌ی افزایش بی‌سابقه و اعلام وضعیت آماده‌باش‌اند.

به نقل از رادیو فردا، یکی از شهرهای هندوستان در روزهای گذشته دمای ۵۱ درجه‌ی سانتی‌گراد را تجربه کرده است. دمایی که حداقل در شصت سال گذشته در شبه‌قاره‌ی هندوستان بی‌سابقه بوده است.

همچنین روز جمعه، فردین حشمتی، رییس مرکز بهداشت شهر ریگان، در ولایت کرمان ایران نیز اعلام کرده است که تمامی مراکز بهداشتی این شهر به‌دلیل احتمال بروز گرمادگی و افزایش شدید دما در حالت آماده‌باش قرار دارند.

به گفته‌ی فردین حشمتی، دمای شهر ریگان به ۵۰ درجه رسیده است و در پی آن ده نفر دچار گرمادگی شدید شده‌اند.

اما در هندوستان و در شهر فالودی، دما به عدد بی‌سابقه‌ی ۵۱ رسیده است. هرساله صدها تن در شبه‌جزیره‌ی هندوستان، به‌ویژه در ماه‌های می و جون از شدت گرما جان خود را از دست می‌دهند، با این حال افزایش دما در سال جاری بی‌سابقه بوده است.

گذشته از فالودی، در مرکز هندوستان، بخش‌هایی از شمال و شرق این کشور، از جمله دهلی، پایتخت، نیز افزایش بی‌سابقه‌ی دما را تجربه می‌کنند. در روزهای اخیر دما در دهلی به ۴۷ درجه‌ی سانتی‌گراد رسیده است. افزایش دما به حدی بوده که حیوانات باغ وحش دهلی را به‌شکل مرتب در آب خنک قرار داده‌اند تا از مرگ‌ومیر آن‌ها جلوگیری شود.

این افزایش دما منجر به کمبود برق در پی استفاده‌ی فزاینده از کولر و وسایل سرمایشی نیز شده است. مدارس هندوستان پیش از موعد مقرر برای تعطیلات تابستانی تعطیل شده‌اند و همچنین بیمارستان‌ها در برخی از ایالات به حالت آماده‌باش درآمده‌اند.

دمای معمول در ماه‌های ثور، جوزا و سرطان در

شمال هندوستان چهل درجه است که امسال افزایش چشم‌گیر و بی‌سابقه داشته است. در مرکز ایران نیز رسیدن دما به پنجاه درجه در ماه ثور امر معمولی نیست.

هندوستان در حالی با گرمایش بی‌سابقه‌ی دما درگیر است که قحطی و خشک‌سالی نیز جان ۳۳۰ میلیون نفر یا یک چهارم جمعیت این کشور را تهدید می‌کند.

فصل باران‌های موسمی در هندوستان در آخر ماه سرطان آغاز می‌شود و این کشور امیدوار است که امسال بارش‌های موسمی فراوان بتواند صنعت کشاورزی این کشور را نجات دهد.

شصت درصد از مردم هندوستان به کار کشاورزی مشغول‌اند و خشک‌سالی ممتد سبب افزایش فقر و بیکاری شده است.

علاوه‌براین، خشک‌سالی منجر به پراکندگی سریع آتش‌های کوچک و تصادفی و مرگ‌ومیر تعداد زیادی در پی آن شده است. در ماه ثور امسال مقام‌های رسمی اعلام کردند که پختوپز در روز در برخی از ایالات ممنوع است تا به این ترتیب از بروز برخی آتش‌سوزی‌ها جلوگیری شود. این آتش‌سوزی‌ها در ماه حمل امسال جان هشتاد تن را گرفته بود.

هندوستان سال گذشته با مرگ‌بارترین موج گرما مواجه شد که در مجموع جان دو هزار و ۴۰۰ تن را گرفت.

ایران نیز سال گذشته موج شدید گرما را از سر گذراند و بندر ماهشهر در ولایت خوزستان در ماه اسد، دمایی معادل با ۷۳ درجه‌ی سانتی‌گراد را تجربه کرد. بالاترین دمای ثبت شده در یک منطقه‌ی شهری در جهان متعلق به شهر ظهران در عربستان سعودی است که در ۱۷ اسد سال گذشته ۸۲ دمای ۸۱ درجه را تجربه کرد. بندر ماهشهر در این لیست رتبه‌ی دوم را دارد.

تابستان گذشته علاوه بر خاورمیانه و آسیای جنوب‌شرقی، غرب اروپا نیز افزایش دمای بی‌سابقه را از سر گذراند.

پس از سکت‌های مغزی خفیف، «باید بلافاصله آسپرین خورد»

اطلاعات روز: خوردن آسپرین بلافاصله بعد از سکت‌های مغزی خفیف یا گذرا احتمال مرگ یا معلولیت را به میزان قابل توجهی کاهش می‌دهد. به نقل از بی‌بی‌سی، پژوهشگران دانشگاه آکسفورد می‌گویند با این که داکتران می‌دانند که در این موارد باید درمان با آسپرین را شروع کنند اما تحقیقات اخیر اهمیت شروع فوری آسپرین بعد از سکت‌های مغزی خفیف را بیش از پیش روشن کرده است.

آن‌ها می‌گویند خطر ناتوانی‌های مادام‌العمر یا مرگ با مصرف «فوری» آسپرین بعد از بروز «علائم هشدار» ۷۰ تا ۸۰ درصد کاهش پیدا می‌کند.

پژوهشگران دانشگاه آکسفورد ۱۵ تحقیق درباره‌ی تأثیر آسپرین در سکت‌های مغزی را که روی ۵۶ هزار بیمار انجام شده بود بررسی کردند و به این نتیجه رسیدند که بیشترین فایده‌ی آسپرین در هفته‌های اول بعد از سکت‌های مغزی است.

در سکت‌های مغزی خفیف و در قطع‌گذاری خون‌رسانی به مغز (TIA) جریان خون و اکسیجن به مغز قطع و باعث بروز علائمی مثل بی‌حسی و ناتوانی شدید دست‌ها و پاها یا مشکلات بینایی و حرف زدن می‌شود.

قطع‌گذاری خون‌رسانی به مغز معمولاً کمتر از ۲۴ ساعت طول می‌کشد و معمولاً علائم آن در عرض ده تا ۶۰ دقیقه برطرف می‌شود.

در سکت‌های خفیف مغزی علائم بیشتر از ۲۴ ساعت طول می‌کشد اما اغلب در عرض چند روز برطرف می‌شوند.

اما در هر دو مورد خطر سکت‌های مغزی شدید که باعث آسیب ماندگار می‌شود در چند روز اول بعد از این حملات در حداکثر است.

پارلمان ترکیه در رای‌گیری نهایی به لغو مصونیت قضایی نمایندگان رأی مثبت داد

اطلاعات روز: پارلمان ترکیه به طرحی رأی مثبت داده است که براساس آن مصونیت ۱۳۸ نماینده‌ی پارلمان این کشور سلب شده و زمینه برای پیگرد قضایی آنان فراهم می‌شود.

از این طرح به‌عنوان متمم موقت قانون اساسی یاد می‌شود و پس از آن‌که این طرح مورد تأیید پارلمان ترکیه قرار گرفت، رجب طیب اردوغان، رییس‌جمهور ترکیه، این رأی را «تاریخی» خوانده است.

به‌نقل از بی‌بی‌سی فارسی، از میان ۵۵۰ نماینده‌ی مجلس، بیش از ۳۷۰ نفر به بخش‌های مختلف این مصوبه رأی دادند. با لغو مصونیت پارلمانی، از میان ۵۹ نماینده‌ی حزب دموکراتیک خلق‌ها ۵۰ نفر آن‌ها تحت پیگرد قرار خواهند گرفت که به ارتباط با حزب کارگران کردستان یا پ ک و حمایت از «تروریسم» متهم‌اند.

در واکنش به این مسأله حزب دموکراتیک خلق‌ها که پایگاه قوی در میان کردها دارد، گفته است که لغو مصونیت پارلمانی مقدمه‌ی برای اخراج نمایندگان این حزب از پارلمان ترکیه است.

از آن‌جایی که دولت ترکیه در کنترل حزب عدالت و توسعه به‌رهبری رجب طیب اردوغان قرار دارد، منتقدان اردوغان او را متهم به دیکتاتوری می‌کنند و می‌گویند لغو مصونیت نمایندگان راه را برای افزایش اختیار ریاست‌جمهوری و تبدیل نظام پارلمانی ترکیه به نظام ریاستی هموار می‌کند.

در همین‌حال سخن‌گوی انگلا مرکل، نخست‌وزیر آلمان، گفته است که خانم مرکل درباره‌ی وضعیت پیش‌آمده در ترکیه و دموکراسی در ترکیه، نگرانی‌اش را هفته‌ی آینده در ملاقات با اردوغان در میان خواهد گذاشت. او گفته است که حق هر گروهی از جامعه است که در مجلس نماینده داشته باشد.

این درحالی است که پس از ختم رأی‌گیری در پارلمان ترکیه، اردوغان گفت که مردم نمی‌خواهند نمایندگان گناهکار را در مجلس ببینند، مخصوصاً حامیان سازمان تروریست جدایی طلب را.

پس از تأیید مصوبه‌ی امروز پارلمان از سوی آقای اردوغان، دادستان‌های ترکیه می‌توانند علیه نمایندگان اعلام جرم کنند. دادستان‌ها می‌توانند از دادگاه بخواهند که حکم به تعلیق یا خلع نمایندگان از نمایندگی پارلمان بدهد.

ارتش مصر: بقایای هواپیمای مفقودشده پیدا شد

اطلاعات روز: ارتش مصر روز جمعه اعلام کرد که بقایای هواپیمای مفقودشده ایرباس ۳۲۰ متعلق به شرکت هوایی «اجیپت ایر» و وسایل سرنشینان آن را یافته است.

به‌گزارش خبرگزاری فرانسه، ارتش مصر در بیانیه‌ی گفته‌است: «هواپیماها و ناوهای ارتش وسایل مسافران و بقایای هواپیما را در ۲۹۰ کیلومتری شمال‌شهر اسکندریه پیدا کردند.»

پیش از این یک بار مقامات سازمان هواپیمایی یونان از یافتن لاشه‌ی هواپیمای مفقودشده خبر داده بودند که شرکت هوایی «اجیپت ایر» آن را تکذیب کرد و اعلام کرد که جست‌وجوها همچنان ادامه دارد.

به نقل از رادیو زمانه، هواپیمای ایرباس ۳۲۰ مصری، متعلق به شرکت هوایی «اجیپت ایر» با ۶۱ مسافر و خدمه چهارشنبه‌شب در ساعت ۱۱ و ۹ دقیقه‌ی شب به وقت محلی از پاریس به مقصد قاهره پرواز کرد و در ساعت دو و ۴۵ دقیقه‌ی بامداد پنج‌شنبه ناپدید شد.

این هواپیما ۶۶ مسافر و خدمه داشت که به احتمال زیاد همه‌ی آن‌ها کشته شده‌اند. اغلب مسافران این هواپیما فرانسوی و مصری بودند.

آسپیرین علاوه بر اثر ضد درد و التهاب، خاصیت رقیق کردن خون را دارد. از این رو در بیماری‌هایی که منشاء آن لخته شدن خون در رگ‌هاست؛ مثل سکت‌های مغزی و قلبی، یکی از مهم‌ترین ارکان درمان است.

پروفسور پیترا راتول که این تحقیق را سرپرستی کرده می‌گوید: «یافته‌های ما تأثیر درمان فوری در سکت‌های مغزی خفیف و در قطع‌گذاری خون‌رسانی به مغز را ثابت می‌کند و نشان می‌دهد آسپرین مهم‌ترین رکن آن است.»

او افزوده: «این یافته‌ها به کار داکتران هم می‌آید؛ در صورت سکت‌های مغزی خفیف یا قطع‌گذاری خون‌رسانی به مغز آن‌ها باید بلافاصله درمان با آسپرین را شروع کنند نه این‌که منتظر بررسی و ارزیابی‌های تخصصی بمانند.»

به گفته‌ی پروفسور راتول اهمیت درمانی آسپرین «بی‌اندازه دست کم گرفته شده» و گاهی تجویز آسپرین با تأخیر انجام می‌شود: «باید مردم را تشویق کنیم اگر فکر می‌کنند علائمی داشته‌اند که می‌تواند ناشی از سکت‌های مغزی خفیف یا قطع‌گذاری خون‌رسانی به مغز باشد، در کنار مراجعه به داکتر و بیمارستان بلافاصله آسپرین را شروع کنند.»

دکتر دیل وب از مؤسسه‌ی خیریه‌ی انجمن سکت‌های مغزی بریتانیا می‌گوید: «با این حال باید به این نکته توجه کنیم که خوردن آسپرین جایگزین مراقبت و درمان‌های طبی نیست و هر کس که علائم قطع‌گذاری خون‌رسانی به مغز را داشت باید بلافاصله به اورژانس زنگ بزند.» او افزوده: «این یافته‌ها نشان می‌دهد کسی که دچار سکت‌های مغزی شده، در حالی‌که علائمش در حال فروکش است و منتظر رسیدگی طبی؛ اگر می‌تواند آسپرین بخورد.»

چلسی به دنبال بازگرداندن لوکاکو

بازگرداندن. گفته می‌شود اورتون در قبال لوکاکو مبلغی حدود ۶۱ میلیون پوند می‌خواهد. آوارو موراتا و گونزالو هیگواین نیز گزینه‌های دیگر کونته برای تقویت خط حمله تیمش هستند که باید دید به کجا خواهند رسید. در حال حاضر دیگو کاستا و لوپیک رمی مهاجمان چلسی هستند که انتظار می‌رود رمی در پایان فصل از جمع آبی‌پوشان جدا شود.

خبرگزاری بلژیکی HLN مدعی شد که چلسی قصد دارد روملو لوکاکو، مهاجم سابق خود که در حال حاضر در اورتون توپ می‌زند را بازگرداند. اورتون سال ۲۰۱۴ با ۲۸ میلیون پوند لوکاکو را به خدمت گرفت و او از آن موقع تا به حال در ۱۲۷ بازی برای تیمش ۶۱ گل به ثمر رسانده است. با مشکلات در خط حمله چلسی، حال آبی‌ها به این فکر افتاده‌اند که مهاجم بلژیکی خود را

لوو: گوتزه باید بایرن را ترک کند

یواخیم لوو، سرمربی تیم ملی آلمان معتقد است که بهتر است ماریو گوتزه فوتبالش را در در تیمی به جز بایرن مونیخ ادامه دهد. مهاجم سابق دورتموند در جام جهانی ۲۰۱۴ گول پیروزی بخش آلمان در فینال را به ثمر رساند و آلمان را به قهرمانی رساند. با این حال او در بایرن مونیخ نیمکت‌نشین است و به ندرت فیکس می‌شود. حال لوو به او توصیه کرد که بهتر است در تیم دیگری فوتبالش را

ادامه دهد. او گفت: به نظرم گاهی تغییر باعث می‌شود اوضاع بهتر شود، یک محیط جدید، یک چالش جدید. به پیشرفت تونی کروس نگاه کنید، در بایرن او عالی بود و در رئال به یک سطح بالاتر رسیده است. گوتزه به یک مربی جدید نیاز دارد که او را در تیمش بخواند. البته این یک انتقاد از بایرن مونیخ و پپ گواردیولا نیست.

بنتکه: آینده‌ام در لیورپول مشخص نیست

فقط در لیگ برتر و جام‌های داخلی بازی خواهیم کرد و ما تیم خیلی بزرگی داریم. بنابراین بازی کردن در یک بازی در هر هفته سخت خواهد شد و مربی باید انتخاب انجام دهد. البته که چانس خیلی خوبی برای قهرمانی داریم زیرا لیورپول تیم بزرگی است ولی بدون حضور در اروپا نمی‌توانیم یک سال دیگر در تیم بمانیم. می‌خواهم برنامه‌های مربی برای فصل بعد را ببینم. من تنها کسی نیستم که می‌خواهد این کار را انجام دهد. فکر می‌کنم خیلی از بازیکنان می‌خواهند چنین کاری انجام دهند. من قراردادی ۵ ساله بستم نه ۱ ساله ولی می‌خواهم مربی را ببینم و درباره برنامه‌های فصل بعدش با او صحبت کنم.

کریستین بنتکه، مهاجم لیورپول عنوان کرد که آینده‌اش در این تیم مشخص نیست. بنتکه در تابستان گذشته با ۳۲ میلیون پوند از استون ویلا به لیورپول پیوست ولی تنها ۱۰ گل در ۴۲ بازی برای این تیم به ثمر رساند. در حالی که فصل بعد لیورپول در رقابت اروپایی حضور نخواهد داشت، ستاره بلژیکی گفت که مشخص نیست فصل آینده در کدام تیم توپ بزند. او گفت: فکر می‌کنم لیورپول با نقاط قوت و ضعف من را خرید. البته که باید با سبک مربی هماهنگ شوم ولی حالا فصل تمام شده و می‌خواهیم با او صحبت کنیم و راه‌حلی برای فصل بعد پیدا کنیم. شکست در فینال برای ما خیلی ناراحت‌کننده بود زیرا فصل بعد

سوارز:

فکر نمی‌کردم در پست مسی بازی کنم

لویس سوارز، مهاجم بارسلونا عنوان کرد که هیچ‌گاه فکر نمی‌کرده جای مسی را در نوک خط حمله بارسا بگیرد. سوارز در ۲۵ بازی برای تیمش ۴۰ گل به ثمر رساند و بالاتر از کریستیانو رونالدو موفق به کسب عنوان آقای گولی لالیگا شد. حال مهاجم اروگوئه‌ای عنوان کرد که هیچ‌گاه فکر نمی‌کرده در حضور مسی او مهاجم نوک بارسا باشد. او گفت: هیچ‌گاه فکر نمی‌کردم در این پست بازی کنم زیرا لئو همیشه در پست شماره ۹ بازی می‌کرد و من پیش خودم

گفتم که کجا بازی خواهم کرد. ما هم در زمین و هم خارج آن خیلی رابطه خوبی با هم داریم. گاهی درکش سخت است زیرا یک مهاجم وقتی ستاره اصلی نیست عصبانی است ولی در بارسا این‌طور نیست. در این‌جا هیچ چیز اشتباه نیست. دوستی‌ها همه واقعی است و حسادتی در تیم وجود ندارد. پیشنهادها را به هم می‌گوییم و خیلی رابطه خوبی با هم داریم. من به فرزندانم می‌گویم که با بهترین بازیکنان تاریخ بازی کردم و این فوق‌العاده است.



ورزش

آنچلوتی: رونالدو

تا سه صبح هم تمرین می‌کرد

کارلو آنچلوتی، سرمربی سابق رئال که بارها از رونالدو به عنوان بهترین بازیکنی که مربی‌گریش را بر عهده داشته یاد کرده، یک‌بار دیگر به تمجید از این فوق‌ستاره پرتگالی پرداخت. کارلتو دو فصل هدایت رئال را بر عهده داشت و ۴ جام ارزشمند با این تیم کسب کرد اما تابستان ۲۰۱۵ بطور عجیبی از سوی فلورنتینو پرز اخراج شد.

آنچلوتی که از فصل بعدی هدایت بایرن را بر عهده خواهد گرفت، در مصاحبه با "FINANCIAL TIME" گفت: زبان آلمانی واقعاً سخت‌ترین زبان دنیاست و یادگیری‌اش مشکل، اما سعی دارم آن را خوب یاد بگیرم. امیدوارم در بایرن هم حس خوبی مثل حس حضور در خانواده را داشته باشم. هنوز فرصت نکرده‌ام با بازیکنان و مدیران ملاقات کنم ولی خوشبینم که در بایرن اوضاع به خوبی برایم پیش برود.

تجربه کار کردن با رونالدو: برخی مواقع او تا سه صبح در کمپ والدلباس تمرین می‌کرد و حمام آب یخ می‌گرفت حتی اگر نامزدش در مادرید و در خانه حضور داشت. تلاشی که او می‌کرد وصف ناشدنی است. برای رونالدو پول مهم نیست. او همیشه می‌خواهد نفر اول باشد.

مسی، بهترین مهاجم اروپا

از نگاه CIES

با وجود این‌که لویس سوارز در این فصل در لالیگا موفق به زدن ۴۰ گل شد و کفش طلای اروپا را هم تصاحب کرده اما در یک رده‌بندی جدید، مسی به عنوان بهترین مهاجم اروپا معرفی شده است.

در رده بندی CIES که مورد تایید فیفا نیز قرار گرفته، از میان مهاجمان ۵ لیگ معتبر اروپایی (لالیگا، لیگ برتر انگلیس، بوندسلیگا، سری A و لوشامپیونه)، لئو مسی در صدر برترین مهاجمان قرار گرفت و جالب این‌که رونالدو در این فهرست ششم شده است.

مسی نتوانست امسال در لالیگا همچون فصول گذشته گول‌های زیادی به ثمر برساند و پس از سوارز و رونالدو عنوان سومی را کسب کرد اما در این رده‌بندی او اول شده است. فاکتورهایی چون گول‌زنی، کمک به هم‌تیمی‌ها برای خلق موقعیت گول و دادن پاس گول از جمله فاکتورهای مهم در انتخاب بهترین مهاجمان از نگاه CIES بوده‌اند. پس از مسی، زلاتان، نیمار، سوارز، دیبالا، رونالدو، آرائوخو، مولر، لوکاس پرز و هیگواین قرار دارند.

لواندوفسکی:

پپ در بایرن موفق بود

رابرت لواندوفسکی، مهاجم بایرن مونیخ به تمجید از پپ گواردیولا، سرمربی تیمش که در پایان فصل راهی منچسترسیتی خواهد شد پرداخت.

پس از برگزاری فینال جام حذفی آلمان فردا یکشنبه مقابل دورتموند، گواردیولا بایرن را پس از ۳ فصل ترک خواهد کرد و راهی منچسترسیتی خواهد شد. بسیاری معتقدند حذف در سه نیمه‌نهایی متوالی چمپیونزلیگ باعث شده تا حضور گواردیولا در بایرن در مجموع ناموفق ارزیابی شود ولی لواندوفسکی چنین نظری ندارد.

او گفت: وقتی پپ به بایرن آمد، ۹۰ درصد مردم فکر می‌کردند که او باید چمپیونزلیگ ببرد. هر چه به جز آن ببرد کافی نیست. ولی اگر به آمار ما در ۳ قهرمانی پیاپی بوندسلیگا نگاه کنید، نشان می‌دهد که خوب کار کرده‌ایم. مردم فکر می‌کنند پپ یکی از بهترین مربیان جهان است. برای همین است که از او انتظار دارند هر فصل قهرمان چمپیونزلیگ شود ولی این غیرممکن است. اگر یک یا دو سال دیگر می‌ماند، احتمالاً این جام را هم می‌برد ولی رسیدن به سه نیمه‌نهایی متوالی در چمپیونزلیگ نیز عملکرد خوبی است. او تمام تلاشش را کرد و تا پایان جنگید. هیچ‌گاه به نظرم نیامد که پپ به سیتی فکر می‌کند. او همیشه متمرکز بود، در طول تمرینات و در طول بازی‌ها. بدون توجه به این‌که چقدر در یک بازی خوب بودیم، او به بازی بعدی فکر می‌کرد. سوال این است که آیا اعلام این خبر در زمستان کار درستی بوده یا نه ولی این موضوع به من ارتباطی ندارد.

گواردیولا:

من و توخل شبیه هم هستیم

توماس و من یک‌دیگر را درک می‌کنیم. ما اشتیاق مشابهی در مورد فوتبال داریم.

فینال بین بایرن و دورتموند، یک دیدار احساسی در سراسر آلمان است. یک دوئل بسیار بسیار دشوار که تمام دنیا آن را تماشا می‌کنند. در اسپانیا ما سیستم متفاوتی داریم؛ هر مرحله کوپا دل ری، شامل دو دیدار رفت و برگشت است. این برای تیم‌های قدرتمند، بهتر است و تیم‌های دسته دومی یا آماتور چانس کمی دارند. من جام حذفی به شیوه آلمانی را دوست دارم زیرا هیجان انگیزتر است و با شگفتی بیشتری همراه است.

فینال سال ۲۰۱۴ فوق‌العاده بود. هرمان گولاند، دستیارم، در تمام طول سال در مورد فضای فوق‌العاده فینال برلین صحبت می‌کرد. وقتی به آن‌جا رفتیم، فهمیدم او در مورد چه چیزی صحبت می‌کند. تجربه فوق‌العاده‌ی برای من بود، برای هر دو تیم و برای هواداران فوتبال در آلمان. این می‌تواند یک فینال فوق‌العاده بین دو باشگاه بزرگ باشد.

نیمار و بررسی سه پیشنهاد وسوسه‌انگیز

با این حال گلوبواسپورت برزیل دیروز ادعا کرد که با وجود پیشرفت در مذاکرات تمدید قرارداد نیمار، او همچنان در حال بررسی سه پیشنهاد جالب از یونایتد، پاری سن ژرمن و رئال مادرید است. پیشنهاد پاریسی‌ها وسوسه‌انگیزتر از دو پیشنهاد دیگر است و آن‌ها قصد دارند با هزینه‌ی گزاف، نیمار را جایگزین زلاتانی کنند که از این تیم جدا شده است. قرارداد فعلی نیمار با بارسلونا تا ۲۰۱۸ اعتبار دارد.

نیمار، ستاره برزیلی بارسلونا که عنوان شده بر سر تمدید قرارداد با بارسا به توافق رسیده هم‌زمان سه پیشنهاد وسوسه‌انگیز را نیز تحت بررسی دارد.

روز پنج‌شنبه گذشته، منودپورتیوو فاش ساخت که نیمار بر سر تمدید قرارداد خود با بارسلونا تا سال ۲۰۲۲ به توافق رسیده و مبلغ فسخ قرارداد او نیز ۲۲۰ میلیون یورو در نظر گرفته شده است. طبق ادعای این منبع، قرار است روز دوشنبه دو طرف این خبر را رسانه‌ی کنند.

تهدید بر لوسکونی:

ببازید، خبری از حقوق نیست

می‌گویند: دیگر نمی‌توانیم به این وضع شرم‌آور ادامه دهیم. آقایانی (اسپانسرها) که این‌جا هستند باعث می‌شوند شما درآمد داشته باشید. آن‌ها به من گفته‌اند که اگر این‌طور بازی کنید، دیگر پولی به ما نخواهند داد. بدین ترتیب من پول‌ها را از حقوق شما کم می‌کنم و حقوقی به شما نمی‌دهم. می‌توانید از من شکایت کنید. می‌دانید زمان بررسی این پرونده در دادگاه‌های ایتالیا چقدر است؟ حدود ۸ سال. برلو سعی دارد با تهدید بازیکنان آن‌ها را مجاب کند حداکثر تلاش‌شان را مقابل یووه انجام دهند.

کلوپ:

باورمان را از دست دادیم

نبود. فقط یک ثانیه است که تمرکز را از دست می‌دهید و گول اول را می‌خورید. پس از آن باورمان را از دست دادیم و دیگر مستحکم ظاهر نشدیم، خوب دفاع نکردیم و عصبانی بودیم. این نشان می‌دهد به اندازه کافی خوب نیستیم. کلوپ ادامه داد: با بازیکنانم صحبت کردم و فردا هر کدام به نقاط مختلف دنیا می‌روند تا ببینیم چه می‌شود. هیچ‌کس در استادیوم باور نداشت که می‌توانیم. چند صحنه بود که به نظرم آمد می‌توان بازی را عوض کرد ولی به اندازه کافی خوب نبود.

راستش را بخواهید، به نظرم عدم حضور در چمپیونزلیگ سال بعد اتفاق عجیبی نیست. ما مسئول این موضوع هستیم و باید از زمان استفاده کنیم. مشکل ما بازیکنانی که داریم نیستند بلکه استفاده درست از زمان برای بهبود تیم است.

یورگن کلوپ، سرمربی لیورپول پس از شکست ۱-۳ در فینال لیگ اروپا عنوان کرد که بازیکنانش باورشان را از دست دادند.

لیورپول در حالی نیمه اول را به پایان رساند که ۰-۱ از حریف خود با گول استوریچ پیش بود ولی تنها ۱۷ ثانیه از نیمه دوم گذشت تا گامیرو توانست بازی را به تساوی بکشاند. پس از آن کوکه دو گول برای سویا به ثمر رساند و لیورپول کلوپ ۱-۳ مغلوب حریف شد.

سرمربی آلمانی در این رابطه گفت: حتی در شروع بازی هم از عملکرد تیم ناراضی بودم. یک گول زیبا زدیم و یک موقعیت عالی را از دست دادیم، یک گول هم زدیم که داور مردود اعلام کرد بنابراین نیمه اول با برتری ۰-۱ ما به پایان رسید. نیمه دوم توپ در اختیار آن‌ها بود و کار را تمام کردند. همه چیز در این زمین فوتبال

۲,۴ افغانی
به تمام شبکه های داخلی
۱۰۰ ام بی
انترنت رایگان

۲,۴ افغانی
به تمام شبکه های داخلی
۱۰۰ ام بی
انترنت رایگان

۲,۴ افغانی
به تمام شبکه های داخلی
۱۰۰ ام بی
انترنت رایگان

ام تی ان آسان

سیمکارت جدید با یک نرخ به تمام شبکه های داخلی و **۱۰۰ ام بی** اینترنت رایگان

سیمکارت ام تی ان آسان را خریداری نموده و به تمام شماره های شبکه های داخلی دقیقه صرف در بدل **۲,۴ افغانی** تماس بگیرید و بر علاوه از این **۵۰ افغانی** کرایه و **۱۰۰ ام بی** اینترنت رایگان را نیز از آن خود سازید. همچنان شما میتوانید به تمام شماره های داخلی هر پیام کتبی را صرف در بدل **۱,۵ افغانی** ارسال نموده و از هر یک ام بی اینترنت در بدل **۱ افغانی** مستفید شوید.

برای تبدیلی بسته فعلی خویش به ام تی ان آسان #۷۷۴* را صرف در بدل **۱۵ افغانی** دایل نمایید.

برای مشاهده کردن **۵۰ افغانی** کرایه رایگان #۷۸۹*۱ را دایل نمایید. برای مشاهده کردن **۱۰۰ ام بی** اینترنت رایگان #۷۸۹*۴ را دایل نمایید.



برای معلومات بیشتر به شماره ۷۷۹ در تماس شوید. ثبت و رجستر سیمکارت حتمی میباشد.

www.mtn.com.af [MTNAfghanistan](https://www.facebook.com/MTNAfghanistan) [MTNAf](https://twitter.com/MTNAf) [MTN-Afghanistan](https://www.linkedin.com/company/MTN-Afghanistan) [MTNAf](https://www.youtube.com/channel/UC...)

با شما در همه جا

با سیمکارت تاپ پیشرفت کنید



مدت این پیشکش
الی ۱۴ اسد



تماس به هر شماره در افغانستان

✓ **1 افغانی** فی دقیقه از افغان بیسیم به افغان بیسیم

✓ **1 افغانی** در هر ۳۰ ثانیه به سایر شبکه ها

✓ بدون فیس روزانه